

تا صَبْحِ دَمَان

همایش ملی علمی پژوهشی بنیادین شیخ

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران

بررسی انواع هنجار‌گزینی در اشعار نیما یوشیج و نقش آن‌ها در بازتاب جریان فکری او

دکتر شهلا شریفی / استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

ابوالفضل اخلاقی / دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

هنجار‌گزینی یکی از عوامل مهم محسوب می‌شود که موجب زیبایی‌آفرینی و کلام هنری و ادبی می‌شود و از جمله موضوعات مهم سبک‌شناسی جدید و نقد ادبی به حساب می‌آید. این اصطلاح که برای نخستین بار توسط گروهی از زبان‌شناسان صورت‌نگار وضع گردید و منظور از آن عدول از هنجار معمول و متعارف است، در قلمرو ادبیات به بررسی انحرافات می‌پردازد که یک اثر ادبی از زبان هنجار ارائه می‌نماید. در فرایند هنجار‌گزینی شاعر با ساخت صورت‌هایی خارج از قواعد زبان هنجار، زبان خود را برجسته ساخته و از این طریق معنا خاصی را به خواننده منتقل می‌کند. هنجار‌گزینی در شعر کلاسیک بسیار محدود است و غالباً در شعر نو می‌توان آن را یافت، از روی نیما یوشیج پدر شعر معاصر و بنیانگذار شعر نو فارسی از جمله شاعرانی محسوب می‌شود که می‌توان رده‌بندی هنجار‌گزینی را به وضوح در اشعار وی مشاهده نمود. در این راستا تحقیق حاضر سعی بر آن دارد تا در چارچوب نظریه‌ی لیچ انواع هنجار‌گزینی در اشعار نیما را که از جمله عوامل نشان‌دهنده‌ی جریان فکری شاعر است، مورد نقد و بررسی قرار دهد. نتایج این تحقیق مشخص می‌کند که هنجار‌گزینی‌های شعر نیما که مبین پاره‌ای از ویژگی‌های زبان شعری او محسوب می‌شوند، به ترتیب بسامد وقوع عبارتند از: هنجار‌گزینی معنایی، نحوی، سبکی، گویشی زمانی، واژگانی، آوایی و نوشتاری.

واژگان کلیدی: هنجار‌گزینی، برجسته‌سازی، نیما یوشیج، جریان فکری، نظریه‌ی لیچ



مقدمه

علی اسفندیازی (نیما یوشیج) فرزند خان‌زاده‌ای به نام ابراهیم به سال ۱۲۷۴ هجری شمسی در یوش از روستاهای «نور» مازندران به دنیا آمد. پدرش از طریق گله‌داری و کشاورزی امرار معاش می‌نمود و خود نیما یوشیج از همان آغاز کودکی تا سن دوازده سالگی با چراگاه و کوهستان و به‌طور کلی با طبیعت زنده الفت داشت و در بین چادرنشینان و قبایل کوهستانی منطقه‌ی خود بسر برد (دست‌غیب، ۱۳۸۵: ۷). بازتاب این سال‌های زندگی نیما که با طبیعت، فرهنگ و زبان مردم مازندران گره‌خورده است را می‌توان در بسیاری از اشعار او به‌عینه مشاهده نمود، بگونه‌ای که میزان این بازتاب آنقدر گسترده است که می‌توان آن را عامل تعیین‌کننده در انعکاس محیط شاعر دانست. مطالعه پیرامون زبان و محیط اجتماعی و فرهنگی سابقه‌ی دیرینه در نوشتگان زبان‌شناسی دارد. سایبر ورف جزو اولین زبان‌شناسانی است که به‌طور اخص ارتباط بین زبان و محیط زندگی را بررسی کرد و نشان داد چگونه عوامل بیرونی در زبان نمود پیدا می‌کند. همچنین به اعتقاد جامعه‌شناسان زبان، زبان آینده‌ی افکار بشر است و گویش به عنوان یکی از گونه‌های زبانی می‌تواند نقش مهمی در افکار افراد به ویژه شاعران و نویسندگان بگذارد و حتی تا جایی پیش رود که به عنوان گونه‌ای سبکی در آثار ادبی مطرح گردد (سایبر، ۱۳۷۶)، همانگونه که تا حدی در اشعار نیما تجلی یافته است.

زندگی سنتی، نیما لحظه‌ای او را رها نمی‌کند و این پرورده‌ی طبیعت سرسبز مازندران در هر جا و در هر بایی سخن می‌گوید، کوه و جنگل و دریا خواسته یا ناخواسته در میان سخن او ظاهر می‌شود. در نوشته‌های او از امکانات زبانی و بیانی بسیاری به کارگیری شده است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان، به گسترش کاربرد واژگان، به کار بردن واژه‌های محلی، نام‌های گیاهان، جانوران و جای‌ها اشاره کرد. نیما همچنین با

بهره‌گیری از واژه‌های کهن و پیشینه‌دار و ساختن تلفیقات تازه و مهم‌تر از همه، تغییر در نحو و ساختار جمله و تخطی از زبان «رسمی پایتخت» که گاهی به واسطه‌ی ویژگی‌های دستوری زبان تبری است - فصل درخشان و نوینی را در ادبیات پدید آورد (عظیمی، ۱۳۸۷: ۲۳-۴۸) که در زبان‌شناسی ادبیات از این چنین کاربردهایی به عنوان هنجارگریزی گویشی، که یکی از گونه‌های هنجارگریزی در چارچوب نظریه‌ی لیچ محسوب می‌شود؛ یاد می‌کنند. هنجارگریزی یکی از عوامل مهمی است که موجب زیبایی‌آفرینی و کلام هنری و ادبی می‌شود و از جمله موضوعات مهم سبک‌شناسی جدید و نقد ادبی به حساب می‌آید. هنجارگریزی که عدول از هنجار معمول و متعارف است و به عنوان منظری تازه برای نگارش به ادبیات و شعر از مهم‌ترین مسائل قابل توجه در شعر نو محسوب می‌شود، به بررسی انحرافاتی می‌پردازد که یک اثر ادبی از زبان هنجار می‌نماید (صفوی، ۱۳۸۳: ۴۰-۴۵)، اما باید توجه داشت که هنجارگریزی تا جایی می‌تواند پیش‌رود که ایجاد ارتباط مختل نشود. مهم‌ترین عنصر شعر از دیدگاه نظریه‌پردازان جدید، زبان است و در حقیقت شعر چیزی نیست جز کاربرد بسیار ظریف زبان عادی و منطقی زبان، و حادثه‌ای است که در زبان زوی می‌دهد و در واقع عملی در زبان انجام می‌گیرد که خواننده میان زبان شعری و زبان روزمره و عادی تمایز احساس می‌کند. نقش اخیر بسیار مورد توجه زبان‌شناسان صورتگرا قرار گرفت و با توجه به آن دو فرآیند خودکاری (Atomization) و برجسته‌سازی (Foregrounding) به واسطه‌ی مطالعات موکارفسکی، اشکولفسکی و هاورانک ارائه‌شد (ظاهری عبدوند، ۱۳۸۸). به اعتقاد هاورانک زبان برای ایجاد ارتباط استفاده می‌شود و وقتی شیوه بیان جلب نظر نکند فرآیند خودکاری زبان به کار گرفته شده‌است؛ اما برجسته‌سازی شیوه‌ی بیانی است که جلب نظر می‌کند و معمولاً برای آفرینش کلام هنری از آن استفاده می‌شود در این راستا موکارفسکی برجسته‌سازی را انحرافی از عقاید زبان هنجار می‌داند که همین امر موجبات توجه بیش از پیش



خواننده یا مخاطب را فراهم می‌آورد (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۴ - ۳۵ و ۱۲۰). لیچ (۱۹۶۹) تفاوت بین زبان هنجار و زبان هنجارگریز را کاربرد پیچیده‌تر و خودکاری کمتر زبان هنجار گریز می‌داند. به اعتقاد او این فرآیند برجسته‌سازی کلام است که باعث ایجاد زبان ادب می‌شود که خود این فرآیند از طریق گریز از قواعد حاکم بر زبان هنجار و افزودن قواعدی بر زبان هنجار امکان پذیر است.

به اعتقاد لیچ (۱۹۶۹)، فرآیند برجسته‌سازی به دو شیوه امکان پذیر می‌شود که همانا هنجارگریزی، ایجاد انحراف در قواعد حاکم بر زبان هنجار، و قاعده‌افزایی، افزوده شدن قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان، است. در رابطه با قاعده‌افزایی که بر خلاف هنجارگریزی با افزودن قواعد حاکم بر زبان هنجار باعث برجسته شدن کلام می‌شود (ظاهری عبدوند، ۱۳۸۸) می‌توان به مثال‌های زیر اشاره نمود:

استفاده از آرایه‌های ادبی چون تکرار

- یار مرا، غار مرا، عشق جگر خوار مرا

- یار تویی، غارتویی، خواجه نگهدار مرا (مولوی)

- آفرین بر تو آفرین

- سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند

- باز ای الهی ناز، با غم من بساز، کین غم جان گذار، ز خاطر نرود

همچنین هنجارگریزی که از دیگر عوامل برجسته‌سازی محسوب می‌شود همانند فرآیند قاعده‌افزایی در آثار ادبی به چشم می‌خورد با این تفاوت که کاربرد هنجارگریزی در اشعار کلاسیک محدود است ولی در گونه‌های ادبی معاصر از جمله شعر نوی فارسی به فراوانی دیده می‌شود. در تحقیق حاضر از میان دو شیوهی برجسته‌سازی به بررسی هنجارگریزی در اشعار پدر شعر معاصر ایران می‌پردازیم و همچنین با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از این بررسی به تبیین انواع هنجارگریزی در اشعار نیما یوشیج خواهیم پرداخت. برای این منظور ابتدا انواع هنجارگریزی در

چارچوب نظریه‌ی لیچ (۱۹۶۹) را معرفی نموده و سپس با تحلیل گفتمان تعدادی از اشعار نیما، انواع هنجارگریزی را در آنها مشخص نموده و در انتها با تعیین بنامد هر یک از آنها به بررسی روابط موجود بین آنها خواهیم پرداخت.

پیشینه‌ی تحقیق

در این بخش تعدادی از بررسی‌هایی که پیرامون آثار نیما صورت پذیرفته است به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد، همچنین نگاهی خواهیم داشت به کارهایی که در رابطه با فرآیند هنجارگریزی صورت پذیرفته است. لازم به ذکر است که درباره‌ی شعر نیما پژوهش‌های فراوانی صورت پذیرفته است که ذکر همه‌ی آنها خارج از محدوده‌ی این تحقیق است از این روی به بیان تعدادی از آنها که در رابطه با موضوع تحقیق حاضر است، بسنده می‌کنیم.

دست‌غیب (۱۳۸۵) که از منتقدان برجسته محسوب می‌شود در مطالعات خویش درباره‌ی شعر نیما علاوه بر آن که فرم و محتوای اشعار وی را مورد مطالعه قرار داده است با نگاهی بیرونی نیز به سراغ آنها رفته و روشی جامعه‌شناسی را در تحلیل خویش به کار گرفته است. به نظر وی می‌توان تجلی تغییر مضامین، قالب‌ها و تعبیرهای ادب فارسی را که از زمان جنبش مشروطه آغاز شده بود را در اشعار نیما خواه در دوران نخستین کار شاعری وی در سبک خراسانی و خواه دوران اوج شعر نو او مشاهده نمود.

از جمله کسانی که ارتباط بسیار نزدیکی با نیما داشت می‌توان به شاملو اشاره نمود که به نظر او شعر نیما تحولش را مدیون خلاقیت ذهنی‌ای است که شخص نیما از آن برخوردار بوده است. شاملو شعر نیما را از لحاظ وزن دنباله‌ی منطقی شعر کهن و از لحاظ محتوا محصول بینش شاعرانه‌ی نیما می‌داند و او را پایه‌گذار فرهنگ شعری شاعران پس از خود می‌داند. با کمی تأمل در این عبارات می‌توان به این نتیجه رسید که در واقع نیما با درهم شکستن قالب‌های نحوی و با ساخت‌شکنی‌های دستوری



زبان، با خلاقیت و بینش منحصر بفرد خویش، شعری خاص خود را می‌آفریند که تا حدودی او را متمایز از دیگر شاعران هم عصر می‌نماید. به اعتقاد منوچهری (۱۳۸۳) در شعر نیما مکان و تاریخ یک‌جا حضور دارند و همین عامل باعث شده که در اکثر اشعار نیما ردپایی از مازندران دیده شود که این نشان از علاقه‌ی بی‌وصف او به طبیعت، فرهنگ و زبان مازندران دارد. منوچهری بر اساس محورهای زیر اشعار نیما را بررسی می‌نماید:

- ۱- محور مکان و زمان
- ۲- محور زبان و آشنایی زدایی
- ۳- محور زیباشناختی و نمادگرایی
- ۴- محور بومی‌گرایی و خیزش به سمت افق‌های جهانی
- ۵- نگرش محتوایی به بعضی شهرها

عبدوند (۱۳۸۸) به بررسی زیباشناسی دو نمونه از شعرهای معاصر زبان فارسی پرداخته است که در بخشی از آن در چارچوب نظریه‌ی لیچ انواع هنجارگریزی‌ها در اشعار شاملو و اخوان ثالث را مورد بررسی قرار داده است. او هنجارگریزی‌های واژگانی، نحوی، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی و زمانی را در نمونه‌هایی از اشعار این دو شاعر معاصر و هم‌عصر نیما مورد بررسی قرار داده است و تنها به بیان آن‌ها اکتفا نموده است، در صورتی که می‌شد با مقایسه‌ی نتایج به دست آمده تا حدی به نتایجی پیرامون ویژگی‌های سبکی هر یک از دو شاعر مورد نظر دست یافت چسرا که می‌توان هنجارگریزی را از جمله عوامل نشان‌دهنده‌ی جریان فکری شاعر دانست. به اعتقاد صفوی (۱۳۸۳) استفاده از هنجارگریزی که در واقع نوعی خلاقیت شعری و شاعرانه محسوب می‌شود، در چند دهه اخیر بیشتر مشهود بوده و تجربه‌ای تازه است که گاه مفهومی که از این طریق القامی شود، حتی برای متخصصان نیز دست‌نیافتنی است. به اعتقاد او اندیشه‌ها و تأملاتی هستند که از یک سوی با خرد و منطق ماسر و

کار دارند و از طرفی زمینه‌ی بعضی از انواع شعر هستند. بسیاری از تأملات فلسفی و با حقایق علمی که در حوزه‌ی شعر داخل می‌شود، همه اندیشه‌هایی هستند که از یک سوی با واقعیت جهان و با ذهن منطقی ما سروکار دارند و از سوی دیگر بنا حس و تجربه‌های شعوری و شهودی ما. از آنجا که منظور از هنجارگزینی عدول از هنجار معمول و متعارف است می‌توان نوگرایی و تلاش برای دست‌یافتن به آزادی فکری را از جمله عوامل گسترش هنجارگزینی در آثار شاعران دهه‌های اخیر دانست.

روش تحقیق

برای نایل شدن به هدف این تحقیق که بررسی انواع هنجارگزینی در اشعار نیما است، ابتدا به معرفی انواع هنجارگزینی می‌پردازیم و به عنوان پیش‌درآمدی برای آشنایی هر چه بیشتر با این فرآیند برجسته‌سازی، هر یک از انواع آن را با مثالی‌هایی از دیگر شاعران و نویسندگان توضیح خواهیم داد. در ادامه با انتخاب تعدادی از اشعار نیما که به طور تصادفی از مجموعه اشعار وی برگزیده شده و نماینده‌ی جامعه‌ی شعری او را تشکیل می‌دهند به بررسی انواع هنجارگزینی در اشعار این شاعر گرانمایه خواهیم پرداخت. سپس با توجه به بررسی‌های میدانی که بر روی اشعار نیما انجام خواهد گرفت داده‌های مورد نظر برای یافتن تفاوت‌های معنادار در انواع هنجارگزینی‌های موجود در اشعار نیما مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

چارچوب نظری تحقیق:

لیچ (۱۹۶۹) انواع هنجارگزینی را به قرار زیر بر می‌شمارد:

۱- هنجارگزینی واژگانی

در این هنجارگزینی شاعر با ساخت واژگان جدید خارج از قواعد زبان هنجار زبان

خود را برجسته می‌سازند.

با آنکه شب شهر را دیر گاهی ست



با ایرها و نفسدودهایش

تاریک و سرد و مه‌آلود کرده‌است ... (اخوان)

در این پاره شعر به کنارگیری واژه‌ای چون «نفسدود» که در زبان هنجار به کار نمی‌رود، نمونه‌ای از هنجارگریزی واژگانی است.

به مثال‌های دیگر توجه نمایید:

یکی آواره مرد است این پریشان گرد (اخوان، قصه‌ی شهر سنگستان)

و ما اینسو نشسته، خسته ابوهی (اخوان، کتیبه)

۲- هنجارگریزی نحوی

در این هنجارگریزی شاعر یا نویسنده با روش‌هایی همچون جابه‌جا کردن عناصر سازنده‌ی جمله از قواعد دستوری حاکم بر زبان هنجار تخطی می‌نماید و علاوه بر اینکه زبان خود را از زبان هنجار متمایز می‌سازد، صورتی ایجاد می‌نماید که همخوانی چندانی با ساختارهای دستوری زبان هنجار ندارد.

با چکاچکاک مهیب تیغهامان، تیز

غرش زهره دران کوسهامان، سهم

پرش خارا شکافت تیرهامان، تند ... (اخوان)

در این پاره شعر صفت پس از ضمیر ملکی بکار رفته است که نشان از نوعی هنجارگریزی نحوی دارد.

به مثال‌های دیگر توجه نمایید:

دو تنها رهگذر کفتر (اخوان، قصه‌ی شهر سنگستان)

مرده پرندگانی که می خوانند

و خاموشند

مرده‌ی زیباترین جانوران

بر خاک و در آب

مرده‌ی آدمیان

از بد و خوب (شاملو، رستاخیز)

۳- هنجارگریزی آوایی

در این نوع از هنجارگریزی شاعر قواعد آوایی هنجار را رها می‌کند و صورتی را به کار می‌برد که از نظر آوایی در زبان هنجار متداول نیست.

در دهان داریم گویا همچو نی

یک دهان پنهانست در لب‌های وی (مولوی)

در این بیت صورت «پنهان است» از قواعد آوایی زبان هنجار گریخته و به صورت «پنهانست» در آمده است که در آن سه همخوان در انتهای واژه در کنار هم قرار می‌گیرند، در خالی که ساخت هجایی فارسی مجوز دو همخوان پشت سر هم را می‌دهد.

۴- هنجارگریزی نوشتاری

در این گونه کلمه یا عبارت به نحوی نوشته می‌شود که معنای دیگری غیر از معنای معمول را در ذهن، متبادر سازد. به مثال این نمونه از شعر حمید مصدق توجه نمایید:

او بود

از روی نرده

خم شده

روی

ر

و

د...



همانگونه که مشاهده می‌نمایید شاعر چگونه از هنجارگریزی نوشتاری برای بیان معنایی بسیار ظریف استفاده کرده‌است. در این پاره شعر واژه‌ی «رود» به شکلی نوشته شده‌است که خم شدن را در ذهن تداعی می‌کند.

به مثالی دیگر توجه نمایید:

"بیا نه جون اگر چه قابلی نداره ع...ر...ذ می...خوام."

در اینجا واژه «عرذ» کاملاً بی‌سواد بودن پیرزن را به خواننده القا می‌کند.

۵- هنجارگریزی معنایی

هنجارگریزی معنایی عبارت است از عدم رعایت قواعد معنایی حاکم بر کیفیت همنشینی واژه‌ها در زبان معیار. ضمناً صنایع ادبی از جمله استعاره، تشبیه، جان بخشی، مراعات نظیر، پارادوکس و سایر صنایع ادبی دیگر نیز در چارچوب هنجارگریزی معنایی تعریف شده‌اند. از آنجا که حوزه‌ی معنا انعطاف‌پذیرترین سطح زبان محسوب می‌شود از این رو انتظار می‌رود که سطح معنایی بیشتر از سایر سطوح زبان در برجسته‌سازی ادبی مورد استفاده قرار گیرد.

ما نه مرغان هوا نه خانگی

دانه‌ی ما دانه‌ی بی دانگی

هر کیوتر می‌پرد ز جانبی

وین کیوتر جانب بی جانبی

(مولوی)

«دانه‌ی بی دانگی» و «جانب بی جانبی»، از عبارت‌هایی‌اند که در زبان معمول فاقد معنا می‌باشند.

و ما با لذتی بیگانه این راز غبار آلود را تماشا نمودیم

(اخوان، کتیبه)

دوباره خواند، خیره ماند، پنداری زبانش مرد

(احمدات، کتبه)

مجلس علمی پژوهشی
پژوهش‌های ادبی

ص ۸۲

گهواره‌های خستگی
از کشاکش رفت و آمدها
باز ایستاده‌اند (شاملو، باغ آینه)

۶- هنجارگریزی گویشی

هنجارگریزی گویشی عبارت است از آوردن واژه یا عبارتی از گویش خاص غیر از گویش معمول در زبان معیار. همچنین گاه روی می‌دهد که ساخت‌های نحوی نیز از گویشی به منظور برجسته‌سازی مورد استفاده‌ی شاعر قرار گیرد.

و ما بر بیکران سبز و مخمل گونه‌ی دریا

می‌اندازیم زورق‌هایمان را چون کل با دام ... (اخوان)

«کل» در گویش‌های یزدی و برخی از گویش‌های خراسان به معنای "پوست" است.

آی تو که سنبل تومدی، دسته گلا به اومدی / آتیش به جونت نگیره، خوب دل مار،

الومدی (اخوان)

در اینجا شاعر با کاربرد گویش مشهدی از زبان معیار گریز زده‌است.

۷- هنجارگریزی سبکی

هنجارگریزی سبکی هنگامی پدید می‌آید که با کاربرد تنوعات سبکی در شعر از گونه‌ی اصلی شعر یعنی گونه نوشتاری و رسمی زبان معیار گریز زده شود و از واژگان یا ساخت‌های نحوی گفتاری استفاده شود

... و حالا اگر دلت می‌خواست / می‌تونی با به فریاد / گلویم پاره کنی / دیوار از بن

بکنی (شاملو)



۸- هنجارگریزی زمانی

شاعرگاه در شعر خود صورت‌هایی از واژگان را استفاده می‌کنند که امروزه دیگر استفاده نمی‌شود و مربوط به دوره‌های پیشین زبان است که در اصطلاح بدان باستان‌گرایی می‌گویند.

نماندستم بنموده بدستی هیچ سویی را (اخوان، قصه‌ی شهر سنگستان)
پس از لختی

غبارآلوده از جهان (اخوان، کتیه)

تصویر بازگونه در آبگینه بی‌قرار (شاملو)

بررسی داده‌ها: هنجارگریزی در اشعار نیما یوشیج

در این بخش می‌خواهیم در چارچوب نظریه‌ی لیچ به بررسی انواع هنجارگریزی در اشعار نیما پردازیم. برای این کار به طور تصادفی اشعاری از مجموعه اشعار وی انتخاب نمودیم و انواع هنجارگریزی‌های موجود در این اشعار را بررسی نمودیم. اشعاری که برای این کار انتخاب نمودیم عبارتند از: ای شب، او را صدا بزن، خواب زمستانی، خانه‌ام ایریست، قایق، می‌درخشد مهتاب، ری‌را، دل فولادم، شب‌پره، پاس‌ها از شب گذشت، شب همه شب، و ترا من چشم در راهم. انواع هنجارگریزی در اشعار نیما عبارتند از:

توجه: بالابودن بسامد وقوع هنجارگریزی معنایی، نکته‌ی بسیار با اهمیتی در شعر یک شاعر نمی‌تواند باشد و یا به عبارتی دقیق‌تر، زیاد بودن بسامد وقوع هنجارگریزی معنایی، ویژگی هر شعری است، بنابراین نمی‌تواند خصوصیت و خصیصه خاص زبان شعری یک شاعر باشد از این روی در هر شعری می‌توان آن را یافت. با توجه به این نکته و اینکه هنجارگریزی معنایی امری بدیهی در شعر است از جهت دوری از اطناب

و اضافه‌گویی از ذکر هنجارگریزی‌های معنایی در اشعار نیما خودداری کرده و به بیان سایر هنجارگریزی‌ها می‌پردازیم.

۱- هنجارگریزی‌های شعر «ای شب»

هنجارگریزی نحوی:

و ای شب نه تو راست هیچ پایان، چندین چه کنی مرا ستیزه، بودست دلمی ز درد
خونین، بودست بسی سر پرامید، بودست زخمی ز غم مکدر، شد محو یکان یکان
ستاره.

هنجارگریزی زمانی:

یا دشمن جان من شدستی؟ ای شب بنه این شگفتکاری.

هنجارگریزی واژگانی

یا پرده ز روی خود فروکش یا بازگذار تا بمیرم

هنجارگریزی آوایی

این قصه که می‌کنی تو یا من زین خوب‌تر هیچ قصه‌ای نیست

۲- هنجارگریزی‌های شعر «او را صدا بزن»

هنجارگریزی نحوی

جیب سحر شکافته ز آوای خود خروس، بر تیزیای دلکش آوای خود سوار، بسیار
شد به خواب، کوچید کاروان که به ده بود مدتی‌ست، مطرود دل‌پلید.

هنجارگریزی گویشی

زیر شماله می‌گذرد ده جدار راه، چاراسبه از رهش، گرگی کشید کله و از کوه شد
به زی.



هنجارگریزی واژگانی

با ناامیدی بی نه به جا روفته شده.

۳- هنجارگریزی های شعر «خواب زمستانی»

هنجارگریزی نحوی

سرشکسته وار در بالش کشیده نه هوایی یاری اش داده / تیزپروازی به سنگین خواب
روزانش زمستانی / زندگی در زهرهای ناگوارایش خواب می بیند فرو بسته ست زیرین
بال و پرهایش / که به نوک آلوده مرغی زشت جوش آن دارد که برگردد ز جای او ران
پوست می خواهد بدراند به تن بی تاب خاطر او تیرگی می گیرد از این خواب / آتشی
را روی پوشانده به خاکستر چه بسا خاکستر او را گشته بستر / هیچ کس پایان این
روزان نمی داند / سردی آرای درون گرم او بر بال هایش ناروان رمزی ست از زمانه های
روانی ها / او شعاع گرم از دستی به دستی کرده بر پیشانی روز و شب دل سرد می بندد /
تیزپروازی به سنگین خواب روزانش زمستانی /

هنجارگریزی سبکی

دل به دوجایان ناهم رنگ

هنجارگریزی واژگانی

گر کسی او را بجوید گر نجوید کس ورچه با او نه رگی هشیار.

۴- هنجارگریزی در شعر «خانه ام ابری ست»

هنجارگریزی نحوی

یکسره دنیا خراب از اوست / من به روی آفتابم می برم در ساحت دریا نظاره / من به
روی آفتابم /

مجلس علمی پژوهشی
تالیفات

۸۶

هنجار‌گزیزی زمانی

در خیال روزهای روشنم کز دست رفتدم

هنجار‌گزیزی سبکی

من به روی آفتابم می‌برم در ساحت دریا نظاره / خانه‌ام ابری‌ست / من به روی آفتابم /
(در این سه مثال اضافی گسسته وجود دارد «من ... م» که از جمله ساخت‌های
نحوی ویژه‌ی نیماست و نزدیک سبک گفتاری است از این روی این ساخت‌ها هم
دارای هنجار‌گزیزی نحوی و هم دارای هنجار‌گزیزی سبکی هستند).

۵- هنجار‌گزیزی‌های شعر «قایق»

هنجار‌گزیزی نحوی

من چهره‌ام گرفته من قایقم نشسته به خشکی / من درد می‌برم / من آب را چگونه
کنم خشک؟ / (در این سه مثال اضافی گسسته وجود دارد از جمله ساخت‌های
نحوی ویژه‌ی نیماست).

هنجار‌گزیزی زمانی

هزالی و جلالت و غوغای هست و نیست

هنجار‌گزیزی سبکی

من چهره‌ام گرفته من قایقم نشسته به خشکی / من درد می‌برم / من آب را چگونه
کنم خشک؟ / (این ساخت‌ها به گونه‌ی گفتاری نزدیک هستند).

۶- هنجار‌گزیزی‌های شعر «داروگ»

هنجار‌گزیزی نحوی



و جدار دنده‌های نی به دیوار اطاقم دارد از خشکیش می‌ترکد.

هنجارگریزی سبکی

قاصد روزان ابری داروگ! کی می‌رسد باران؟

هنجارگریزی گویشی

در درون کومه‌ی تاریک من که ذره‌ای با آن نشاطی نیست، قاصد روزان ابری داروگ.

هنجارگریزی آوایی

و جدار دنده‌های نی به دیوار اطاقم دارد از خشکیش می‌ترکد

۷- هنجارگریزی‌های شعر «مهتاب»

هنجارگریزی نحوی

نیست یک دم شکنند خواب به چشم کس و لیک

هنجارگریزی سبکی

می‌تراود مهتاب می‌درخشد شب تاب

۸- هنجارگریزی‌های شعر «ری‌را»

هنجارگریزی نحوی

با نظم هوش ربایی من آواز آدمیان را شنیده‌ام، ز اندوه‌های من سنگین‌تبر و آوازهای
آدمیان را یکسر من دارم از بوی من هنوز هیبت دریا را در خواب می‌بینم، او رفته با
صدایش اما خواندن نمی‌تواند.

هنجارگریزی سبکی

با نظم هوش ربایی من آواز آدمیان را شنیده‌ام / ز آندوه‌های من سنگین‌تر و آوازه‌های
آدمیان را یکسر من دارم از بز، من هنوز هیبت دریا را در خواب می‌بینم / او رفته با
صدایش اما خواندن نمی‌تواند /

هنجارگریزی گویشی

ری را، ری را...

۹- هنجارگریزی‌های شعر «دل فولادم»

هنجارگریزی نحوی

ولی اکنون به همان جای بیابان هلاک بازگشت من می‌باید با زیرکی من که به کار /
دل فولادم را زنگ کند دیگرگون

هنجارگریزی زمانی

جای کین و کشتار و خراب و خذلان / از برای من ویران سفر گشته مجالی دمی
استادن نیست

هنجارگریزی سبکی

ول کنید اسب مرا

هنجارگریزی واژگانی

می‌تواند گذرش باشد هر راهگذر

۱۰- هنجارگریزی‌های شعر «شب‌پره‌ی ساحل نزدیک»

هنجارگریزی نحوی

دمبدم می‌کویدم بر پشت شیشه / باز کن در بر من خستگی آورده شب در من / هر
تنی را می‌تواند بود هر راهی



هنجارگریزی گویشی

چوک و چوک!...

۱۱- هنجارگریزی‌های شعر «پاس‌ها از شب گذشته است»

هنجارگریزی نحوی

در نی آجین جای خود بر ساحل متروک می‌سوزد اجاق او

هنجارگریزی سبکی

میزبان در خانه‌اش تنها نشسته.

هنجارگریزی گویشی

در نی آجین جای خود بر ساحل متروک می‌سوزد اجاق او

۱۲- هنجارگریزی‌های شعر «ترا من چشم در راهم»

هنجارگریزی نحوی

وزان دلخستگانت راست اندوهی فراهم، ترا من چشم در راهم، گرم یادآوری بیانه
من از بادت نمی‌کاهم.

هنجارگریزی سبکی

ترا من چشم در راهم، گرم یادآوری یا نه من از بادت نمی‌کاهم

هنجارگریزی گویشی

که می‌گیرند در شاخ "تلاجن" سایه‌ها رنگ سباهی

پیشانی علی بزوفی
چهارمین
۴۰

بحث و نتیجه‌گیری

با محاسبه‌ی فراوانی هر یک از انواع هنجارگریزی در اشعار نیما می‌توان بسامد وقوع هنجارگریزی‌ها در اشعار وی را که مبین پاره‌ای از ویژگی‌های زبان شعری او محسوب می‌شود به ترتیب زیر بیان نمود: هنجارگریزی معنایی، نحوی، سبکی، گویشی، زمانی، واژگانی، آوایی و نوشتاری. در اشعار نیما هنجارگریزی معنایی به واسطه‌ی ماهیت شعر که مملو از صور خیال، صنایع ادبی از جمله استعاره، تشبیه، جان‌بخشی، مراعات نظیر، پارادوکس و سایر صنایع ادبی دیگر است پر بسامدترین هنجارگریزی محسوب می‌شود؛ در نتیجه بالابودن بسامد وقوع هنجارگریزی معنایی چیز خیلی بالاهمیتی در شعر یک شاعر نمی‌تواند باشد و یا به عبارتی دقیق‌تر، زیاد بودن بسامد وقوع هنجارگریزی معنایی ویژگی هر شعری است. بنابراین نمی‌تواند خصوصیت و خصیصه‌ی خاص زبان شعری یک شاعر از جمله نیما باشد. به همین دلیل هنجارگریزی معنایی را در دستور کار قرار ندادیم چراکه از پیش معلوم است که این هنجارگریزی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد. فراوانی سایر هنجارگریزی‌ها از قرار زیر است که در جدول یک مشاهده می‌کنید:

جدول یک

نوشته‌ی	آوایی	واژگانی	زمانی	گویشی	سبکی	نحوی	هنجارگریزی
۰	۲	۴	۵	۹	۱۶	۴۱	بسامد

همانگونه که در جدول یک مشاهده می‌نمایند بیشترین هنجارگریزی مربوط به هنجارگریزی نحوی ($n = 41$) و کمترین آن به هنجارگریزی نوشتاری ($n = 0$) اختصاص دارد. برد (بیشترین فراوانی منهای کمترین فراوانی) این مجموعه عددی برابر با ۴۱ را نشان می‌دهد و میانگین فراوانی داده‌ها برابر ۱۱ است.



بالا بودن میزان هنجارگریزی نحوی در اشعار نیما یک خصیصه خاص زبان شعری وی محسوب می‌شود، در واقع او با درهم شکستن قالب‌های نحوی و بنا ساخت‌شکنی‌های دستوری زبان شعری خاص خود را می‌آفریند که تا حدودی او را متمایز از دیگر شاعران هم عصر او می‌کند. نیما با برجسته‌سازی زبان شعر خود از طریق هنجارگریزی‌ها به‌ویژه هنجارگریزی نحوی، سبک شعری را خود که همان شعر نیمایی است از اشعار کلاسیک جدا ساخته و از این طریق جریان فکری خود که همانا تلاش برای نوگرایی است به خواننده القا می‌کند. به اعتقاد او ادبیات فارسی باید از هر حیث عوض شود و لازمی آن تغییر نگرش به دنیای بیرون است (عظیمی، ۱۳۸۷: ۴۹۷). شعر نیما در واقع نوع نگاه تازه‌ای او به هستی و انسان است که در بسیاری از اشعار او دیده می‌شود و از دیگران نیز می‌خواهد نگاه سستی خویش را تغییر داده و خود را از بند کهنه‌گرایی رها نمایند. اما در بسیاری از اشعار می‌توان غم و اندوه وی که ناشی از بی‌توجهی دیگران به این آرمان است مشاهده نمود، از جمله شعر "فایق" که می‌توان غم او را دریافت:

من چهره‌ام گرفته

من قایم نشسته به خشکی

با قایم نشسته به خشکی

فریاد می‌زنم:

«وامانده در عذابم انداخته‌ست»

در راه پرمخافت این ساحل خراب

و فاصله‌ست آب

امدادی ای رفیقان با من»

گل کرده است پوزخندشان اما

بر من،

نیمای
۹۲

بر قایم که نه موزون...
 اما کم بسامد تر بودن هنجارگیزی سبکی در اشعار نیما نسبت به هنجارگیزی نحوی حاکی از پای بند بودن نیما به سنت شعری از یک سو و نزدیکی زبان شعر او به زبان گفتار از سوی دیگر است. نیما بر این عقیده بود که شعر باید به گونه‌ای باشد که همهی مردم بتوانند آن را درک کنند از این روی شعر باید به زندگی مردم نزدیک بوده و عاری از پیچیدگی‌های ادبی باشد. از این روی نیما شعر خود را به زبان گفتار نزدیک می‌نماید تا مردم بتوانند رابطه‌ی بیشتری با آن برقرار نمایند و به کمک تعالیم شعر که به راحتی درک می‌شود، نگاه زنگ‌زده‌ی خود را تغییر داده و خود را از بند باید‌های کهن نجات دهند تا به سوی ساحل آزادی هدایت شوند.

واژگان و ساختارهای گویش تبری در اشعار نیما حضور دارند که از آن به هنجارگیزی گویشی یاد می‌شود. تأثیرات محیطی از قبیل زبان، فرهنگ، و شرایط جغرافیایی مازندران در اشعار نیما نشان از علاقه و دلبستگی او به فرهنگ و گویش مناطق مازندران است (طاهباز، ۱۳۷۵). زبان‌شناسان اجتماعی معتقدند؛ هر زبان تا حد زیادی منعکس‌کننده واقعیات و خصوصیات بیرونی پیرامون خود است. به تعبیری، کاربرد زبان در خلا انجام نمی‌پذیرد، بلکه متأثر از بافت محیطی خود است. در اشعار نیما توصیفات زبانی و تصویرپردازی به چشم می‌خورد که همان‌گونه که بیان شد، منعکس‌کننده بافت منطقه‌ای، زبانی، و فرهنگی نیماست. به عنوان مثال وجود اشعاری مانند: «قاصد روزان ابری، داروگ، کی می‌رسد باران؟» نمونه‌ی بارزی از تأثیر شرایط جغرافیایی مازندران بر روی اشعار نیما محسوب می‌شود. علاوه بر این وجود این عناصر در شعر نیما نشان از زنده و با زندگی مرتبط بودن شعر نیماست که این نشانی از موقعیت عاطفی او با محیط پیرامونش دارد.

بنابراین، نکته در خور توجه این است که نیما واژگان طبیعت را همان طوری که خود می‌بیند به تصویر می‌کشد. تصویر کلامی وی از طبیعت کاملاً بدیع و حاکی از



خلاقیت وی می‌باشد و از پیروی سنت‌های ادبی معمول گذشته عاری است. نکته مهم این است که توصیفات کلامی نیما از پیرامون خود کاملاً ساده و طبیعی است و از جلوه‌های مصنوع اشعار گذشتگان پیراسته است والا استفاده از کلماتی مانند، کوه، جنگل، دریا، موج و ساحل در آثار ادبی گذشته و حال به چشم می‌خورد. اما هیچکدام بوی و طعم واقعی طبیعت را نمی‌دهند.

کم بودن هنجار‌گریزی‌های زمانی نشان از آن دارد که نیما توجه به گذشته ندارد چرا که گذشته در افکار او زندانی محسوب می‌شود که آزادی را از انسان می‌گیرد و او را به عقب‌گرد وامی‌دارد. ریشه‌ی این نگرش نیما به شروع جنبش مشروطه‌خواهی برمی‌گردد که در آن دوران بینشی تازه رواج یافت که بر طبق آن عصری تازه فرا رسیده است که با همه دوره‌های تاریخ ملی تفاوت دارد و باید کهنه‌گرایی جای خود را به تجدد بدهد.

بسامد وقوع هنجار‌گریزی واژگانی در اشعار نیما بسیار پایین است و این نشان می‌دهد که نیما چندان به واژه‌آفرینی که یکی از ویژگی‌های خلاقیت شاعر محسوب می‌شود، نپرداخته است. چرا که هدف نیما بیدار کردن مردم و واداشتن آن‌ها به تفکر است از این روست که ابهام در اشعار نیما جایگاه ویژه‌ای برای خود دارد و از این طریق است که نیما خلاقیت خود را به نمایش می‌گذارد.

هنجار‌گریزی آوایی با بسامدی بسیار اندک در اشعار نیما به چشم می‌خورد و و از آنجایی که هنجار‌گریزی آوایی به عنوان ابزاری برای حفظ وزن به کار می‌رود و بیشتر در خدمت نظم است، بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که نیما در اشعار خود گرایش به حفظ و رعایت وزن در شعر نداشته است و این نشانی دیگر از سنت‌شکنی او محسوب می‌شود.

نقش شیوه نوشتار در درست خواندن شعر، انتقال احساس و اندیشه، برجسته‌سازی تصاویر و نشان دادن فاصله‌های زمانی و مکانی از جمله محورهای مورد توجه

نویسنده است. از آنجا که در هنجارگریزی نوشتاری بعد بصری و دیداری یک شعر آشکار می‌شود نوع نوشتار شعر در اولین و ابتدایی‌ترین شکل ارتباط یعنی ارتباط دیداری است که خواننده با آن برقرار می‌کند. هنجارگریزی نوشتاری در اشعار نیما تقریباً صفر است و این شاید از آن جهت باشد که نیما به این امر یا توجهی نداشته و یا این که سعی داشته مفاهیم شعری را به گونه‌های دیگری بیان نماید. همانگونه که دیدیم می‌توان جریانات فکری نیما را که مهم‌ترین آن‌ها تلاش برای از بین بردن کهنه‌گرایی و نگاه به آینده‌ای متفاوت است در اشعار وی مشاهده نمود که توجه به انواع هنجارگریزی و بررسی موشکافانه‌ی آن‌ها می‌تواند کمک شایانی در رسیدن به این مقصود به محققان ادبی نماید.



کتابنامه

الف) فارسی

- ۱- آتشی، منوچهر، ۱۳۸۲، نیما را باز هم بخوانیم، تهران، انتشارات آمیتیس.
- ۲- بارت، رولان، ۱۳۷۷، نقد و حقیقت، ترجمه‌ی شیرین دخت حقیقیان، تهران، انتشارات مرکز.
- ۳- سایپر، ا.، ۱۳۷۶، زبان، درآمدی بر مطالعه سخن گفتن، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران، انتشارات سروش.
- ۴- ثروتیان، بهروز، ۱۳۷۵، اندیشه و هنر در شعر نیما، تهران، انتشارات نگاه.
- ۵- دست‌غیب، عبدالعلی، ۱۳۸۵، پیام‌آور امید و آزادی نقد و تحلیل اشعار نیما یوشیج، تهران، انتشارات آمیتیس.
- ۶- صفوی، کوروش، ۱۳۸۳، از زبان‌شناسی به شعر، تهران، انتشارات سوره.
- ۷- طاهباز، سیروس، ۱۳۷۵، پردرد کوهستان: زندگی و هنر نیما یوشیج، تهران، انتشارات زریاب.
- ۸- ظاهری عبدوند، آ. بدون تاریخ، بررسی اجمالی زبان شناختی دو نمونه شعر معاصر، برگرفته شده از: dushanbe.icro.ir/files/document/8811
- ۹- عبدلی، م.، ۱۳۷۴، فرهنگ شعر نیما: واژگان و ترکیبات اشعار نیما یوشیج، تهران، انتشارات فکر روز.
- ۱۰- عظیمی، محمد، ۱۳۸۷، پادشاه فتح نقد و تحلیل و گزیده اشعار نیما یوشیج، تهران، انتشارات سخن.
- ۱۱- عموزاده، م. (بدون تاریخ)، مازندران و اشعار نیما، دانشکده اصفهان، برگرفته شده از: www.mazandnume.com/default.asp%3FPNID
- ۱۲- یوشیج، نیما، ۱۳۷۳، مجموعه کامل اشعار نیما یوشیجفارسی و طبری تدوین سیروس طاهباز، تهران، انتشارات نگاه.

ب) سایت مورد استفاده:

سایت رسمی نیما یوشیج: <http://www.nimayushij.com>

ج) لاتین:

Leech, G. N. A. (1969). *Linguistic Guide to English Poetry*, London: Longman



درس انواع چهارگانه در اشعار نیما یوشیج ...